

در این نشست که صبح روز دوم همایش در سالن فیض مرکز همایش‌های بین‌المللی صدا و سیما برگزار شد دکتر صالح اولیاء، دکتر رضا صالحی امیری، دکتر محمد باقرحبی، دکتر شهلا باقری، دکتر بابک نگاهداری، دکتر مسعود موحدی و مینا اصفهانی به آرایه مقاله پرداختند.

ضرورت تجزیه و تحلیل محیطی در برنامه‌ریزی استراتژیک فرهنگی ایران

دکتر رضا صالحی امیری



بیرونی ۲- تحولات سیاسی در سطح سیاسی بین‌المللی
۳- تحولات اقتصادی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی ۴-
تحولات تکنولوژی و ارتباط آن با استراتژیک فرهنگی و
افزایش سطح آگاهی جامعه ۵- نظام قانونگذاری فرهنگی
۶- نگرش دولت به عرصه فرهنگ ۷- تحولات جهانی
فرهنگ ناشی از جهانی‌سازی فرهنگی ۸- تغییرات جمعیتی
و تأثیر آن بر نظام فرهنگی، تحولات و شکاف نسلی، شکاف
جنسیتی.

عوامل فرعی دخیل در برنامه‌ریزی استراتژیک فرهنگی عبارتند
از: ۱- نرخ امید به آینده ۲- مسئولیت‌پذیری ۳- نرخ سرمایه
اجتماعی، ارزشها و فضیلت‌های اخلاقی ۴- نرخ مهاجرت
نخبگان ۵- میزان انسجام فرهنگی ۶- میزان تهاجم پذیری
فرهنگی ۷- نرخ ناهنجاریهای فرهنگی و اجتماعی در محیط
درونی. یکی از عوامل مؤثر در محیط درونی؛ فرهنگ سازمانی
است. سازمان می‌آموزد با مسائل بیرونی و انسجام درونی
چگونه برخورد شود. فرهنگ سازمانی می‌تواند مانع مدیریت
استراتژیک در حوزه فرهنگی باشد برخی از قوت‌های فرهنگی
ما عبارتند از: قابلیت فرهنگی شیعی، پتانسیل بازتولید هویت
فرهنگی، فراوانی چهره‌ها و نخبگان فرهنگی، امکان استفاده
از حضور نظارتی و ایفای نقش مردم در کنترل نظام فرهنگی
و مشارکت جویی فرهنگی از طریق رسانه‌ها، نهادهای
و سازمانهای فرهنگی، سابقه دوستی و همزیستی دینی اقوام
الهی. برخی از تهدیدات فرهنگی موجود ما عبارتند از: کاهش
تعلق و هویت دینی و ملی، فقدان تعامل پویا میان نظام
برنامه‌ریزی کشور و نیازهای فرهنگی، ضعف یکپارچگی و
انسجام در نظام فرهنگی، وجود مراجع متعدد و ناهماهنگ
در سیاست‌گذاری فرهنگی، عدم توجه به رویکرد دینی مردم
سالاری درقبال لگوی غربی، غلظت توجه دولت به ماهیت
فرهنگ و راه‌سازی روشهای تحقق نظام فرهنگی و استراتژی
فرهنگی، ضعف نظام استراتژی فرهنگی و برنامه‌ریزی کلان
در سطح کشور، شکاف بین نظام برنامه‌ریزی سازمان مدیریت
با برنامه‌ریزی فرهنگی، بی‌توجهی به اصل پویایی در نهادی
سازی فرهنگی، تعارض در حوزه‌های نظری فرهنگی و
عملکرد دستگاه‌های اجرایی فرهنگی و بروز شکاف فرهنگی
در سطح جامعه. با توجه به تغییرات محیطی و پیچیده شدن
تصمیمات سازمانی و نهادی، لزوم به کارگیری برنامه‌های
جامع در این زمینه بیش از گذشته ملموس است. این برنامه
چیزی جز برنامه استراتژیک نیست. مدیریت استراتژیک
فرهنگی با تکیه بر ذهنیت پویا، آینده‌نگر، جامعه‌نگر راه
حل بسیاری از مسائل سازمانهای فرهنگی امروز ما است.
پایه‌های مدیریت استراتژیک بر اساس میزان درکی است که
مدیران فرهنگی از محیط فرهنگی درونی و بیرونی خود دارند
بنابراین ما امیدواریم با استفاده از برنامه استراتژیک بتوانیم
نظام فرهنگی را از تهدیدها، آسیبها و فرصتها نجات دهیم و
نقاط قوت را تقویت کنیم.

محیط جهانی بین‌المللی است که به‌طور مستقیم روی کلیه
تصمیمات استراتژیک اثر می‌گذارد. ۳- تکنولوژی خصوصاً
تکنولوژی ارتباطی که تأثیر اساسی در حوزه استراتژیک
فرهنگی دارد این سه عامل در این حوزه تعیین‌کننده هستند.
مفهوم مدیریت استراتژیک فرهنگی عبارت است از نگرش
کل نگر به کلیه عوامل، پدیده‌ها و متغیرهای دخیل و مؤثر
در نظام فرهنگی به نحوی که محصول اجرای مدیریت
استراتژیک فرهنگی، نگاه انسجامی و سازوکاری در عرصه
مدیریت نهادها و کارکردهای فرهنگی نظام باشد. ما نیازمند
بومی‌سازی ادبیات در مدیریت فرهنگی هستیم. با کمال

تأسف در حوزه مدیریت؛ عمده
منابع ما در داخل کشور منابع
ترجمه‌ای هستند که رویکرد
اصلی آنها، رویکرد اقتصادی،
بازرگانی و تجربی است. لذا
فرآیند بومی‌سازی مفاهیم
حوزه فرهنگی یک کار علمی
است که مراکز دانشگاهی
باید آن را انجام دهند. با این
رویکرد و نگرش کل نگر به
کلیه پدیده‌های دخیل و مؤثر
در نظام فرهنگی معتقد هستیم

که ما باید در سطح اول به چشم‌انداز فرهنگی بپردازیم.
چشم‌انداز فرهنگی عبارت است از رهبری نظام فرهنگی
در سطح ملی با آگاهی بر محیط داخلی و بین‌المللی.
عواملی که در تدوین چشم‌انداز دخیل هستند عبارت است
از: ۱- چسبندگی نظام فرهنگی و هنجارها، ارزشها، و باورهای
که نظام فرهنگی بر آن استوار است. ۲- آرزوها و آرمانهای
نظام فرهنگی ۳- امکان رشد و خلاقیت در ساختارها، نهادها
و کارکردهای نظام فرهنگی ۴- تمرکز بر روی چالشها و
تهدیدات فرهنگی ۵- جهتگیری و درک شرایط پویا و
محیط متحول. در چشم‌انداز فرهنگی، مفهوم توسعه به یک
توسعه عام برمی‌گردد که در توسعه پایدار از آن بحث می‌کنیم.
توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بدون توسعه فرهنگی
بی‌معنی است. فراموش نکنیم مأموریتی که الهام بخش
اندیشه نباشد باعث ناکامی سازمانها می‌شود پس چشم‌انداز
باید الهام بخش باشد. محیط بیرونی و یا خارجی عبارت است
از شناسایی متغیرهای اصلی در سه سطح ملی، منطقه‌ای و
بین‌المللی که نظام، نهاد و ساختار فرهنگی باید در برابر آنها
واکنش ملی نشان دهد.

یک اندیشمند غربی می‌گوید اگر سرعت عمل شما
بیشتر از رقیب نیست شما در وضعیت شکننده‌ای قرار
دارید و اگر سرعت عملتان کمتر از رقیب است به آخر خط
رسیده‌اید. عوامل اصلی دخیل در محیط بیرونی عبارتند
از: ۱- عوامل اصلی تحولات هنجاری و ارزشی در محیط

امروزه مفهوم برنامه‌ریزی خرد
و کلان در حوزه‌های اقتصادی
یک مفهوم نهادینه شده است اما
در حوزه‌های فرهنگی این مفهوم
با چالشهای جدی روبرو است.
دو رویکرد عمده در این حوزه
وجود دارد. بعضی معتقد هستند
مقوله فرهنگی به دلیل تعبیّرات
کیفی قابل اندازه‌گیری و قابل
برنامه‌ریزی نیستند و نمی‌توان به
آن مفهوم استراتژیک و مدیریت
همه‌جانبه را بارکرد عده‌ای

معتقدند آنچه قابل فهم است قابل سنجش هم است. مقوله
مباحث فرهنگی در مدیریت استراتژیک قابل اندازه‌گیری و
قابل تبیین و تحلیل کیفی است. مبانی اندیشه ما بر قانون
اساسی و ساختار ارزشی نظام اسلامی و تقدم برنامه‌ریزی
در حوزه فرهنگی و اقتصادی، مبتنی است. اقتصاد وسیله
است، نه هدف. هدف از ساختار نظام فرهنگی؛ رشد دادن
انسان در حرکت به سوی نظام الهی و شکوفایی استعدادها
به منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان است. توسعه فرهنگی
که در دو دهه اخیر در نظام فرهنگی مطرح شده است
یکی از اجزاء توسعه پایدار است. در زمینه توسعه فرهنگی؛
به لحاظ تاریخی دارای موانع جدی هستیم. بحث اصلی ما
مفهوم مدیریت استراتژیک در برنامه‌ریزی فرهنگی است که
در حقیقت تلاشهای سازمان یافته برای اتخاذ تصمیمات
سازنده از بهترین گزینه‌های مشروع به شمار می‌رود.
در مجموع مدیریت استراتژیک عبارت است از هنر تدوین
و اجرای تصمیماتی که سازمان را در رسیدن به اهدافش
توانا می‌سازد. سه عامل مهم در تدوین، ارزیابی و اجرای
استراتژیها دخیل هستند: ۱- محیط داخلی که شامل محیط
سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و فرهنگی است. ۲-

